

## رابطه صورت و معنا در انواع مختلف واژه و بررسی احتمال حدس معنای واژگان مرکب و اشتقاقی در فرایند ترجمه

شهلا شریفی\*

دانشیار زبانشناسی همگانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

لیلا عرفانیان قونسولی\*\*

دانشجوی دکتری زبانشناسی همگانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۷، تاریخ تصویب: ۹۲/۲/۲)

### چکیده

این مقاله بر آن است تا احتمال حدس معنای واژگان و عدم ارجاع پی‌درپی به فرهنگ لغات را در فرایند ترجمه بررسی کند و به امکان آموزش این شیوه به مترجمان بپردازد. سؤالی که این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای آن است این می‌باشد که آیا در ترجمه، می‌توان تفاوتی در ترجمه انواع مختلف واژه، اعم از بسیط و مرکب و اشتقاقی قائل شد، به گونه‌ای که با عدم رجوع پی‌درپی به فرهنگ لغات، ترجمه متون با سرعت بیشتری انجام شود و به فرایند درک آسیب نرسد؟ و آیا می‌توان با آموزش ساختار واژگان زبان به مترجم، به ترجمه وی سرعت بیشتر داده و کیفیت انتقال مفاهیم را بالاتر ببریم؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال، چهار متن با موضوع سفرنامه انتخاب شد و ۷۰۰ واژه محتوایی از هر متن استخراج گردید. سپس به بررسی انگیزتگی (رابطه مستقیم بین صورت و معنا) در واژگان مرکب و اشتقاقی این متون پرداخته شد و با بررسی‌های آماری این نتیجه به دست آمد تعداد واژگانی که از ترکیب معنای اجزای تشکیل دهنده واژه می‌توان به معنای کل واژه دست یافت و به عبارتی واژگان انگیزته، هم در میان واژگان مرکب و هم واژگان اشتقاقی، بیش از واژگان نیمه‌انگیزته و ناانگیزته است. بنابراین در برخی متون، مترجم با یافتن و دانستن معنای واژگان بسیط و ساختار واژه، می‌تواند معنای واژگان مرکب و یا اشتقاقی را که با آنها مواجه می‌شود، تا حد زیادی حدس بزند و نیاز به صرف وقت برای یافتن معنای واژگان مرکب و اشتقاقی نیست.

واژه‌های کلیدی: انگیزتگی، ترجمه، واژه‌های مرکب، واژه‌های اشتقاقی، واژه‌های بسیط.

\* تلفن: ۰۵۱۱-۸۸۰۳۰۰۰، دورنگار: ۰۵۱۱-۸۸۰۳۰۰۰، E-mail: Sh-sharifi@um.ac.ir  
\*\* تلفن: ۰۵۱۱-۸۸۰۳۰۰۰، دورنگار: ۰۵۱۱-۸۸۰۳۰۰۰، E-mail: leilaerfaniyan@gmail.com

## مقدمه

زبان دوم یا زبان خارجی از پدیده‌های رایج زندگی امروزی است. انسان موجودی اجتماعی است و برای زنده ماندن، نیاز به برقراری ارتباط دارد. بر این اساس، جوامع انسانی نیز برای رشد و پیشرفت و ادامه حیات، نیازمند برقراری ارتباط اند و از آنجا که زبان‌های متعددی، به ازای جوامع متعدد، وجود دارد، درک زبان و ترجمه آنها به زبانی که برای شخص قابل فهم باشد، از نیازهای غیر قابل اجتناب جامعه امروزی است.

ترجمه در حال حاضر رشته‌ای علمی است که متخصصان آن تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از دستاوردهای این گستره و دستاوردهای علوم دیگر، فرایند ترجمه و درک زبان را تسهیل و تسریع نمایند. از جمله مراحل ترجمه زبان، ترجمه واژگان با روش‌هایی است که این امر را تسهیل و تسریع نمایند. از این روست که این روش‌ها در اولویت قرار می‌گیرند و آموزش این روش‌ها به مترجمان دارای اهمیت است. بر اساس فرضیات مطرح، سه روش برای فهم معنای واژه ناآشنا وجود دارد:

۱- یک روش این است که فوراً خواندن را قطع کنیم و به معنای واژه از طریق فرهنگ لغات دست یابیم که گرچه این روش، مطمئن‌ترین روش است، اما بهتر است زمانی انجام پذیرد که دو روش دیگر ممکن نباشند؛ ایراد این روش این است که اگر بخواهیم به طور مکرر خواندن را قطع کرده و معنای هر واژه را با فرهنگ لغات بیابیم، کاری خسته‌کننده و وقت‌گیر خواهد بود، به فرایند فهم آسیب رساننده و نیز لذت درک متنی را که پیش روی ماست می‌گیرد؛

۲- روش دیگر برای دستیابی به معنای واژه، توجه به بافت آن است: واژه‌ها در ارتباط با واژه‌های دیگر متن و در ارتباط با موقعیتی که در آن موقعیت، استفاده می‌شوند، معنا دار می‌شوند.

۳- روش دیگری که برای دستیابی به معنای واژگان استفاده می‌شود، حدس معنای واژه جدید با توجه به ساختار واژه و دانستن معنای اجزای تشکیل‌دهنده آن است. این روش برای ترجمه متونی که نیاز به دانستن معنای دقیق و تخصصی واژگان آن نداریم، روش کارآمدی به نظر می‌رسد. بنابراین می‌توان واژگان جدید را تجزیه کرد و معنای آنها را حدس زد (یورکی ۶۶-۶۵).

بنابراین، از جمله فرضیاتی که درباره ترجمه زبان وجود دارد، این است که می‌توان در ترجمه برخی متون که نیازی به ترجمه دقیقی از آن نیست و فقط سعی در فهم و انتقال مفهوم

کلی آن داریم، به جای ارجاع پی‌درپی به فرهنگ لغات، معنای برخی واژه‌ها را بر اساس ساختار شفاف آنها حدس بزنیم، به طوری که فرایند ترجمه، با سرعت بیشتری انجام شود و با ارجاعات مکرر به فرهنگ لغات، به انتقال مفاهیم پایه متن نیز آسیبی وارد نشود. برای اثبات این فرضیه، در ابتدا باید این مسئله را ثابت کرد که تعداد واژگانی که از ترکیب معنای اجزای تشکیل دهنده واژه می‌توان به معنای کل واژه دست یافت و به عبارتی انگیزه می‌باشند، هم در بین واژگان مرکب و هم واژگان اشتقاقی، بیش از واژگان نیمه‌انگیزه (Semi motivated) و ناانگیزه (Non motivated) می‌باشد. بنابراین، در صورت اثبات این فرضیه، می‌توان در برخی متون، ارجاع به فرهنگ لغات برای یافتن معنای واژه را فقط در واژگان بسیط انجام داد و معنای واژگان مرکب و یا اشتقاقی را که با آنها مواجه می‌شویم تا حدود زیادی حدس زد، در این صورت، نیاز به صرف وقت برای یافتن معنای تک‌تک واژگان و قطع رشته افکار و مفاهیم متن نیز نمی‌باشد. از این روی، در این تحقیق، به بررسی رابطه صورت و معنا در واژگان مرکب و اشتقاقی پرداخته شد تا دریابیم آیا می‌توان از مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده واژه به معنای کل واژه دست یافت. به عبارتی، تعداد واژگانی که از ترکیب معنای اجزای تشکیل دهنده واژه می‌توان به معنای کل واژه دست یافت و به عبارتی انگیزه (Motivated) اند، در میان واژگان مرکب و واژگان اشتقاقی، بیشتر است، یا تعداد واژگان نیمه انگیزه و ناانگیزه. از این روی، در بخش دوم، پیشینه نظری کارهای انجام شده در زمینه انگیزه‌نگی بیان می‌شود. در بخش سوم، انگیزه‌نگی در واژه‌های مرکب و اشتقاقی معرفی خواهد شد. در بخش چهارم، روشی که برای تحقیق در نظر گرفته‌ایم بیان می‌شود و در ادامه به شیوه گردآوری مطالب و تحلیل داده‌ها اشاره‌ای خواهد شد. در بخش پنجم، ابتدا به ارائه داده‌های جمع‌آوری شده می‌پردازیم و سپس بررسی‌های انجام گرفته بر روی آنها را عنوان می‌کنیم. در بخش ششم، به جمع‌بندی نتایج به دست آمده از بررسی‌های بخش پنجم می‌پردازیم و در پایان، به نتیجه‌گیری از نتایج به دست آمده خواهیم پرداخت.

### پیشینه نظری

کلمات شفاف یا انگیزه آن دسته از کلماتی‌اند که از روی صدا، ساخت، رابطه و ... بتوان به معنی آنها پی‌برد یا معنی آنها را حدس زد. کلمات تیره به آن دسته از کلمات گفته می‌شود که تلفظ یا ساخت آنها ردپایی برای شناخت معنی آنها به دست ندهد (باطنی ۱۱۷).

انسان کنجکاو از دیرباز در پی یافتن علت هر پدیده‌ای بوده و از این راه پیشرفت‌های

زیادی در علوم مختلف حاصل گشته است. با بررسی تاریخ زبان‌شناسی و فلسفه نیز در می‌یابیم که انسان از زمانی که مدارک مربوط به آن در دسترس است، در پی یافتن رابطه بین صورت و معنای کلمات بوده و گاه طبیعی بودن رابطه بین صورت و معنا و گاه رابطه قراردادی بین آنها را پذیرفته است.

مسئله وجود یا عدم وجود رابطه بین صورت و معنای واژگان، از زمان باستان راه خود را در فلسفه ادامه داده و به عنوان سؤالی در روند جدید زبان‌شناسی و ریشه‌شناسی قرن بیستم در آمده است. به نظر می‌رسد که فردینان دوسوسور اولین کسی است که در قرن بیستم این مساله را مطرح کرده است و این فرضیه را بیان کرد که نشانه‌های زبانی اختیاری‌اند (هریس ۸۸). اولمن نیز بر پایه دیدگاه کهن طبیعت‌گرایان و قراردادیون به واژه‌های تیره و شفاف پرداخته است و از کسانی است که بحث در زمینه انگیختگی را جدی‌تر از دیگران دنبال کرده و اکثر کارهایی که بعد از او انجام شده است، به نوعی قالبی از کار او را در خود دارند. فریشبرگ (Frishberg) نیز طی انجام تحقیقی (۱۹۷۵) بیان نموده است که میزان تصویرگونگی در ASL<sup>۱</sup> در طی ۲۰۰ سال گذشته، کاهش یافته است (کارول ۳۰-۲۹).

برخی از دانشمندان ایرانی و اسلامی نیز اعتقاد داشتند که رابطه بین صورت و معنا طبیعی است؛ از جمله خلیل‌بن‌احمد فراهیدی و سیبویه. ابوعلی فارسی و شاگردش ابن‌جنی و سیوطی و میرداماد نیز رابطه لفظ و معنا را طبیعی می‌دانستند (وحیدیان کامیار ۱۰). اگرچه انگیختگی و بررسی آن در قدیم بیشتر دنبال شده است، اما به نظر می‌رسد که تاکنون در زبان فارسی کاری جدی در زمینه انگیختگی به انجام نرسیده است و محدود کارهایی نیز که انجام شده است یا قالب‌بندی کارهای دیگرانی مانند اولمن را دارد، یا این که فقط به برخی جنبه‌های انگیختگی، مثل نام‌آواها و نمادپردازی آوایی پرداخته است.

اولمن انگیختگی را به سه دسته آوایی، ساختواژی و معنایی دسته‌بندی کرده است. اختیار (۱۳۴۸) و باطنی (۱۳۶۷) نیز بر اساس همین طبقه‌بندی کاری فراگیرتر و باارزش‌تر از دیگر آثار فارسی در این زمینه انجام داده‌اند. افراشی (۱۳۸۱) نیز با بهره‌گیری از کار باطنی، در مقاله‌ای با نام «نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب» به بررسی تیرگی و شفافیت واژه‌های مرکب، با استفاده از ابزار معنی ارجاعی پرداخته است. تقی وحیدیان کامیار نیز اولین کسی است که فرهنگ نام‌آواهای زبان فارسی را به رشته تحریر در آورده است.

## انگیختگی

بنا بر آنچه سوسور نوشته است، زبان مجموعه‌ای از نشانه‌هاست و نشانه زبانی رابطه‌ای اختیاری بین دال ومدلول است اما برخی نشانه‌ها انگیخته، نیمه انگیخته و یا ناانگیخته‌اند. همانطور که بیان کردیم، نشانه‌ای انگیخته است که در صورت آن، سر نخ‌ی برای رسیدن به معنای آن موجود باشد (آرونوف و دیگران ۱۰۴). کلمات تیره یا از ابتدا رابطه‌ای بین صورت و معنای آنها وجود نداشته یا به تدریج این شفافیت کدر شده است.

به طور کلی، در بیشتر کارهایی که درباره انگیختگی انجام گشته است، انگیختگی به سه دسته آوایی، ساختوازی و معنایی دسته‌بندی شده است که در این تحقیق، به انگیختگی در واژه‌های مرکب و اشتقاقی که شاخه‌ای از انگیختگی ساختوازی است، خواهیم پرداخت.

### ۱- انگیختگی در واژه‌های مرکب

انگیختگی در ساختواژه را ترکیب‌نمایی گویند. ترکیب‌نما ساختی است که معنایش از ترکیب معنای اجزایش به دست می‌آید (آرونوف و دیگران ۱۰۶-۱۰۴)؛ اما این انگیختگی، در واژه‌های مختلف، درجه‌های مختلفی نیز دارد؛ افزایش در مقاله‌ای در زمینه انگیختگی در واژه‌های مرکب با عنوان «نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب»، درجات مختلف انگیختگی در واژه‌های مرکب را این‌گونه بیان می‌کند که در واژه‌های مرکب، اگر کلماتی که واژه مرکب را می‌سازند، در کاربرد ارجاعی خود به کار روند، نهایت شفافیت و اگر در کاربرد ارجاعی خود به کار نروند، نهایت تیرگی را می‌رسانند برای مثال: «نمک‌پاش» بسیار شفاف است، زیرا هم «نمک» هم «پاش» به همان چیزی که در جهان خارج برای نامیدن آن به کار می‌روند اشاره می‌کنند. «شاهراه» تا حدودی غیرشفاف است، زیرا «شاه» به همان چیزی که در جهان خارج برای نامیدن آن به کار می‌رود، اشاره نمی‌کند و «پاچه‌خوار» به طور کامل تیره است، زیرا هر دو جزء آن به آنچه که در جهان خارج برای نامیدن آن به کار می‌روند، اشاره نمی‌کنند (افراشی ۹۵).

از دیگر نمونه‌های ترکیب، واژه‌های مکررند. واژه‌های مکرر واژه‌هایی مرکب‌اند که اجزاء ترکیبشان یکسان باشند، مانند «راه راه». واژه‌های مکرر نیز انگیختگی دارند، چون گاهی معنای تکرار، افزایش یا جمع می‌دهند (آرونوف و دیگران ۷۸-۷۷)؛ به عنوان مثال، در واژه‌های «گل گلی» و «خط خطی» که تکرار «گل» و «خط» در آنها دلالت طبیعی بر تکرار و تنوع دارد، انگیختگی وجود دارد.

### ۱-۱- ملاک‌های انگيخته‌گی در واژه‌های مرکب

واژه‌های مرکب، برخی انگيخته‌اند و برخی دیگر نیمه‌انگيخته یا نانگيخته‌اند که معیار طبقه‌بندی و گنجاندن هر واژه مرکب در هر یک از این طبقات بر این اساس است:

#### ۱-۱-۱- واژه مرکب انگيخته

در این بررسی، برای شناسایی واژه‌های مرکب انگيخته، از این معیار استفاده شد که اگر اجزای تشکیل‌دهنده واژه مرکب، در ترکیب، همان معنایی را داشته باشند که زمانی که به تنهایی به کار می‌روند، آن واژه مرکب انگيخته است. برای بررسی این معیار، در آغاز از فرهنگ لغات استفاده شد؛ افزون بر آن، برای برخی واژه‌ها به کاربرد واژه در متون مربوط به همان زمان توجه کردیم، به طوری که اگر اجزای آن واژه در متون، متعلق به همان دوره، به صورت مجزا و به همان معنی که در واژه مرکب آمده‌اند، کاربرد داشته باشند، واژه مرکب انگيخته است.

بنابراین واژه مرکب انگيخته شرایطی دارد از جمله:

- ۱- اگر بتوان از مجموع معنای اجزای واژه مرکب به طور مستقیم به معنای واژه مرکب رسید، آن واژه انگيخته است، مانند واژه‌های: «بزرگراه»، «زیارتنامه» و ...
- ۲- واژه‌های سازنده واژه مرکب باید در آن زمان، کاربرد داشته باشند و متداول باشند؛ برای مثال واژه «بلیشو» در زمان حال انگيخته نیست و یکی از دلایل آن، نامتداول بودن اجزای آن در زمان حال است مثل واژه «هلیدن»:

بلیشو	بی‌نظمی، شلوغی	بل = بهل: هلیدن؛ هشتن، اجازه‌دادن	بشو = شدن: رفتن	نانگيخته
-------	----------------	-----------------------------------	-----------------	----------

- ۳- واژه مرکبی انگيخته است که اجزای آن افزون بر ملاک‌های مطرح در بالا، به معنایی در واژه مرکب استفاده شوند که امروزه به کار می‌روند، به عنوان مثال در واژه «بلیشو» واژه «شدن» امروزه با این معنا به کار نمی‌رود.

- ۴- اجزای تشکیل‌دهنده واژه مرکب نباید تغییر آوایی داده باشند؛ برای مثال: واژه «بهل» ← «بل» در مثال بالا.

- ۵- از مجموع معنای واژگان تشکیل‌دهنده واژه مرکب بتوان به طور مستقیم به معنای واژه مرکب رسید نه توسط روابط معنایی و استعاری؛ برای مثال واژه «سرگردانی»:

سرگردانی	آواره بودن، متحیر بودن	سر= عضو بدن انسان و حیوان ازگردن به بالا	گرد= ستاک حال گردیدن، چرخیدن	ان= پسوند فعال که معنی فاعلی و حالت می دهد	ی= پسوند فعال که اسم مصدر مرکب می سازد	نیمه انگيخته
----------	---------------------------	--	------------------------------------	--	--	--------------

که در این واژه، بین معنای اجزای تشکیل دهنده واژه مرکب و معنای خود واژه، توسط روابط معنایی، رابطه برقرار است.

#### ۱-۲-۱- واژه مرکب نیمه انگيخته

واژه مرکب نیمه انگيخته واژه ایست که:

۱- یکی از واژه های تشکیل دهنده آن، معیارهای مطرح برای واژه مرکب انگيخته را نداشته باشد، یا این که:

۲- به صورت غیرمستقیم و توسط روابط معنایی بتوان از معنای اجزای آن به معنای کل واژه رسید.

به طور کل می توان گفت در واژگان نیمه انگيخته، انگيختگی کمتر از واژگان انگيخته و بیشتر از نا انگيخته هاست.

#### ۱-۳-۱- واژه مرکب نا انگيخته

واژه مرکب نا انگيخته واژه ایست که: هیچ کدام از اعضای تشکیل دهنده آن، معیارهای مطرح برای واژه های مرکب انگيخته یا نیمه انگيخته را نداشته باشند.

#### ۲- انگيختگی در واژه های اشتقاقی

در واژه های اشتقاقی نیز که بیشتر از ترکیب هسته و وند ساخته می شوند، انگيختگی وجود دارد. انگيختگی در میان این نوع واژگان وابسته به زایا و بویایی وند است؛ یعنی در واژه هایی که وند زایا و پویا، انگيختگی مشاهده می شود؛ برای مثال واژه «بیننده» از این لحاظ شفاف است که تکواژ «بین» معنای خودش را دارد و «نده» نیز به دلیل زایایی زیاد در زبان، با معنای خاصی همراه گشته است. بنابراین، پس از تجزیه به اجزای تشکیل دهنده آن می توان به معنا دست یافت (افراشی ۹۵). انگيختگی و شفافیت در این سطح همانند انگيختگی در سطوح دیگر، ممکن است کم رنگ شود و از بین برود و یا برعکس، واژه و یا وندی

می‌تواند انگیزتگی کسب کند.

## ۱-۲- ملاک‌های انگیزتگی در واژه‌های مرکب

واژه‌های اشتقاقی، برخی انگیزته‌اند و برخی دیگر نیمه‌انگیزته یا نانگیزته‌اند که معیار طبقه‌بندی و گنجاندن هر واژه اشتقاقی در هر یک از این طبقات بر این اساس است:

### ۱-۲-۱- واژه اشتقاقی انگیزته

واژه اشتقاقی انگیزته، واژه‌ایست که این ویژگی‌ها را داشته باشد:

۱- اگر بتوان از مجموع معنای پایه واژه اشتقاقی و وند اشتقاقی به‌کار رفته در آن، به‌طور مستقیم به معنای واژه رسید، آن واژه انگیزته است، مثل واژه «تعمیرگاه»:

تعمیرگاه	مکان تعمیر کردن	تعمیر	گاه = پسوند فعال که اسم مکان می‌سازد	انگیزته
----------	-----------------	-------	--------------------------------------	---------

۲- پایه سازنده واژه اشتقاقی باید در آن زمان، کاربرد داشته و متداول باشد برای مثال: واژه «سیورساتچی» در زمان حال انگیزته نیست، به دلیل اینکه واژه «سیورسات» امروزه کاربرد ندارد، اما در زمان‌های قدیم، انگیزته بوده چون این واژه کاربرد داشته است:

سیورساتچی	کسی که مأمور جمع‌آوری سیورسات است	سیورسات = زاد و توشه، خوارباری که برای لشکر در موقع حرکت فراهم کنند	چی = پسوند فعال که بر نسبت و شغل و استمرار در کاری دلالت می‌کند	انگیزته در دو بیست سال پیش
-----------	-----------------------------------	---	---	----------------------------

۳- واژه اشتقاقی انگیزته واژه‌ایست که افزون بر ملاک‌های مطرح در بالا، پایه آن به معنایی در واژه اشتقاقی استفاده شود که امروزه به‌کار می‌رود، به عنوان مثال واژه: «کدخدا» امروزه انگیزته نیست، زیرا واژه «خدا» امروزه به معنای صاحب به‌کار نمی‌رود:

کدخدا	رئیس محله، رئیس صنف	کد = پیشوند مرده به معنای خانه و محل و ده	خدا = صاحب، مالک	نا انگیزته
-------	---------------------	---	------------------	------------

۴- اجزای تشکیل‌دهنده واژه اشتقاقی نباید تغییر آوایی داده باشند برای مثال واژه «سفارش» که در اصل «سپارش» بوده و تغییر آوایی در آن رخ داده است:

سفارش	سپاردن، توصیه کردن	سفار = صورت تغییر یافته سپار: ستاک حال سپاردن	ش = پسوند نیمه فعال مصدری	نانگیزته
-------	--------------------	---	---------------------------	----------



۵- از مجموع اجزای تشکیل دهنده واژه اشتقاقی بتوان به طور مستقیم به معنای واژه رسید، نه توسط روابط معنایی و استعاری؛ برای نمونه: در واژه «چشمه» یا «دامنه» توسط روابط معنایی می‌توان از معنای مجموع اجزا به معنای کل واژه رسید و این رابطه مستقیم نیست:

چشمه	محل خارج شدن طبیعی آب از زمین	چشم	ه = پسوند فعال اسم ساز	نیمه‌انگیخته
------	-------------------------------	-----	------------------------	--------------

۶- وندی معنای قابل پیش‌بینی دارد که در زمان مورد بررسی، وندی فعال بوده و زایایی داشته باشد. برای بررسی این امر، از فرهنگ لغات مربوط به همان دوره زمانی استفاده شد. برای برخی واژه‌ها نیز از این روش استفاده شد که اگر آن‌ها در واژه‌های زیادی در متون آن زمان به کار رفته باشد، وندی فعال است، مثل پیشوند «هم» در واژه‌های «هم‌سفر»، «هم‌اطاقی»، «هم‌شهری» و...

#### ۲-۱-۲- واژه اشتقاقی نیمه‌انگیخته:

واژه اشتقاقی نیمه‌انگیخته واژه‌ایست که:

یکی از اجزای آن، معیارهای مطرح شده برای واژه‌های انگیخته اشتقاقی را نداشته باشد یا:

رابطه معنایی غیرمستقیم بین معنای اجزای واژه و کل واژه برقرار باشد. به طور کل می‌توان گفت در واژگان نیمه‌انگیخته، انگیختگی کمتر از واژگان انگیخته و بیشتر از ناانگیخته‌هاست.

#### ۲-۱-۳- واژه اشتقاقی ناانگیخته

واژه اشتقاقی ناانگیخته، واژه‌ایست که: هیچ‌کدام از اعضای تشکیل دهنده آن، معیارهای مطرح برای واژه‌های اشتقاقی انگیخته یا نیمه‌انگیخته را نداشته باشد.

#### روش تحقیق

برای بررسی و مقایسه انگیختگی واژگان مرکب و اشتقاقی، سعی شد از محاسبات آماری استفاده شود، به طوری که مجموع واژه‌های انگیخته، نیمه‌انگیخته و ناانگیخته در متون مورد بررسی در گستره واژه‌های مرکب و اشتقاقی محاسبه شد.

### ۱- شیوه گردآوری مطالب و تحلیل داده‌ها

در ابتدا، برای مقایسه پدیده انگلیختگی، لازم بود متون مناسبی بدین صورت انتخاب شود:

#### ۱-۱- متون مورد بررسی

ابتدا متونی انتخاب شد که هم از نظر سبکی خنثی بوده و هم در دسترس باشند. برای این منظور، متونی با موضوع سفرنامه انتخاب شد و برای مهار کردن تفاوت‌های سبکی در این بررسی، چهار متن زیر گزیده شد:

متن شماره ۱: پرستو در قاف - علیرضا قزوه: ۱۳۷۵

متن شماره ۲: سفرنامه شمس آل احمد به آلمان و اسپانیا- شمس آل احمد: ۱۳۶۹

متن شماره ۳: سفرنامه فرنگ- فخرالدین حجازی: ۱۳۶۲

متن شماره ۴: اقلیم‌های دیگر- محمد جعفر یاحقی: ۱۳۶۳

#### ۲-۱- انواع و تعداد واژگان مورد بررسی

از هر کتاب، حدود پنج صفحه انتخاب شد که شامل هفتصد واژه محتوایی است که در بعضی موارد، به دلیل این که ممکن بود واژه یا واژه‌هایی در صفحات متوالی تکرار شوند، سعی شد پنج صفحه به صورت متوالی انتخاب نشود. به این ترتیب، واژه‌های محتوایی که شامل: اسم، فعل، صفت و قید می‌باشند، جدا شده و به عنوان مواد تحقیق، مورد استفاده قرار گرفتند.

#### ۳-۱- شیوه تحلیل داده‌ها

بر اساس معیارهای مطرح در بالا، انگلیختگی را در هر یک از متون بررسی کردیم و سپس، حاصل جمع هر یک از متغیرها را در چهار متن به دست آوردیم که نتایج حاصل از آن در بخش‌های بعد، مطرح می‌شود. سپس با مقایسه نتایج با یکدیگر، به نتایج برآمده از این محاسبات دست یافتیم.

#### ارائه و بررسی داده‌ها

همانطور که پیشتر نیز گفته شد، چهار متن با موضوع سفرنامه مربوط به زمان حال انتخاب شد و در میان ۷۰۰ واژه محتوایی از هر متن، به بررسی واژه‌های مرکب و اشتقاقی پرداخته شد که در زیر، متون مورد بررسی و تحلیل‌های انجام شده بر روی آنها به تفکیک

نمایش داده شده‌اند. بایسته یادآوری است که به ضرورت مجال، از هر متن فقط تعداد چهار واژه مرکب و اشتقاقی را به عنوان نمونه در پی، بیان کرده‌ایم:

### ۱- متن شماره یک

#### ۱-۱- واژه‌های مرکب

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزختگی
قاره پیما	ویژگی آنچه بتواند طول یک قاره را بیپماید	قاره= هر یک از قطعات پنج‌گانه زمین	پیمایم= ستاک حال پیمودن: حرکت کردن در طول مسیری و عبور کردن از آن	انگیزخته
پیامبر	نبی، رسول	پیام= از زبان کسی، مطلبی را به دیگری رساندن	بر= ستاک حال بردن: حمل کردن	انگیزخته
شیرزنان	شیرزن= زن شجاع و دلیر	شیر= سلطان جنگل، شخص شجاع	زن	نیمه انگیزخته
سربالا	طفره‌آمیز	سر	بالا	ناانگیزخته

#### ۲-۱- واژه‌های اشتقاقی

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزختگی
ایرانی	اهل ایران، منسوب به ایران	ایران	ی= پسوند فعال نسبت به معنای اهل جایی بودن	انگیزخته
کوچه	محلّه کوچک، راه تنگ و باریک	کوی= محلّه، راه گشاد، معبر	چه= پسوند فعال بیانگر تصغیر	نیمه انگیزخته
درخشان	درخشنده، تابان	درخش= ستاک حال درخشیدن: تابش	ان= پسوند فعال که معنی فاعلی و حالت می دهد	انگیزخته
هموطن	کسانی که وطنشان یکی است	هم= پیشوند فعال بیانگر اشتراک	وطن	انگیزخته

#### ۳-۱- بررسی داده‌ها

انگیزخته	نیمه انگیزخته	ناانگیزخته	جمع کل	
۶۷	۱۴	۱	۸۲	انگیزختگی واژه‌های مرکب
۴۱	۲۰	۲	۶۳	انگیزختگی واژه‌های اشتقاقی

۲-متن شماره دو

۲-۱- واژه‌های مرکب

انگیزگی	جزء	جزء	جزء	معنی	واژه
انگیزته	ی = پسوند فعال که اسم مصدر مرکب می‌سازد	خیز = برخاستن	سحر = سپیده دم	سحرخیز بودن، صبح زود از خواب بیدار شدن	سحر خیزی
انگیزته		نامه = برگه‌ای که روی آن مطالبی خطاب به کسی می‌نویسند	وصیت = سفارش کسی برای اجرای اعمالی پس از مرگ شخص	نوشته‌ای مبنی بر سفارش کسی برای اجرای اعمالی بعد از مرگ شخص	وصیت‌نامه
نیمه‌انگیزته		بلند = افزاشته، دراز	سر = عضو بدن انسان و حیوان از گردن به بالا	دارای حالت یا احساس خوش به خاطر عمل یا رفتار خویش	سربلند
نیمه‌انگیزته		واز = باز	پر	پرباز، عمل پریدن درهوا، پرگشادن مرغ	پرواز

۲-۲- واژه‌های اشتقاقی

انگیزگی	جزء	جزء	جزء	معنی	واژه
نیمه‌انگیزته		انه = پسوند نیمه‌فعال که برای نسبت به کار می‌رود	صبح	غذایی که به هنگام صبح خورند، منسوب به صبح	صبحانه
نانگیزته	ا = پسوند غیرفعال مصدری که اسم معنی و مصدر می‌سازد	آش = نوعی غذا	ن = پیشوند فعال نفی	نخورده مانند از بامداد تا پاسی از روز	ناشتا
انگیزته		گاه = پسوند فعال که اسم مکان می‌سازد	گذر	جای گذر کردن	گذرگاه
انگیزته		ستان = پسوند فعال اسم ساز مکان	بیمار	جایی که بیماران را پرستاری و معالجه می‌کنند	بیمارستان

رابطه صورت و معنا در انواع مختلف واژه و بررسی احتمال حدس معنای واژگان مرکب و اشتقاقی در فرایند ترجمه ۳۵

### ۳-۲- بررسی داده‌ها

جمع کل	ناانگیزته	نیمه‌انگیزته	انگیزته	
۹۸	۱	۲۰	۷۷	انگیزته‌های واژه‌های مرکب
۱۱۸	۷	۳۵	۷۶	انگیزته‌های اشتقاقی

### ۳- متن شماره سه

#### ۱-۳- واژه‌های مرکب

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزته‌های مرکب
روشنفکران	روشنفکر = دارای بینشی آگاهانه، منطقی و دور از خرافه و تعصب	روشن = نورانی	فکر = اندیشه	نیمه‌انگیزته
بدبخت	بی‌بهره از زندگی یا وضع روحی مطلوب	بد = نامطلوب	بخت = طالع، اقبال	انگیزته
نفت خواران	کسانی که نفت را به غارت می‌برند	نفت	خوار = خورنده	نیمه‌انگیزته
پرشور	پرهیجان، هیجان انگیز	پر = انباشته	شور = هیجان	انگیزته

#### ۲-۳- واژه‌های اشتقاقی

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزته‌های اشتقاقی
امروز	همین روز	ام = پیشوند مرده به معنای این	روز	نیمه‌انگیزته
خسته	آزرده، فرسوده از انجام کار	خست = ستاک گذشته خستن: آزدن، فرسوده شدن	ه = پسوند فعال که صفت مفعولی می‌سازد	ناانگیزته
دانشگاه	محل دانش، جای دانش، مدرسه عالی که تمام علوم آنجا تدریس می‌شود	دان = ستاک حال دانستن	ش = پسوند نیمه فعال مصدری	انگیزته
ناقلا	زرنگ	نا = پیشوند فعال نفی	قلا = آسان و آسوده	ناانگیزته

### ۳-۳- بررسی داده‌ها

جمع کل	ناانگیزته	نیمه‌انگیزته	انگیزته	
۱۰۷	۱	۳۱	۷۵	انگیزته‌های واژه‌های مرکب
۱۱۲	۴	۳۹	۶۹	انگیزته‌های اشتقاقی

۴- متن شماره چهار

۴-۱- واژه‌های مرکب

واژه	معنی	جزء	جزء	جزء	توضیح	انگیزگی
مرزداری	اداره یا سازمانی که به کارهای مربوط به مرزهای کشور رسیدگی می‌کند	مرز= ناحیه، خطه، کشور	دار= ستاک حال داشتن: نگاه داشتن و حفاظت کردن	ی= پسوند فعال مصدری که بر عمل و حرفه و شغل و مکان کار دلالت دارد		انگیزخته
مهمانخانه	مهمانسرا، جای پذیرایی از مهمان	مهمان	خانه = محل			انگیزخته
ناز شست	آنچه به عنوان پاداش به کسی می‌دهند	ناز= عشوه	شست = انگشت بزرگ و پهن دست و پا			نانگیزخته
سرگردانی	آواره بودن، متحیر بودن	سر= عضو بدن انسان و حیوان از گردن به بالا	گرد= ستاک حال گردیدن، چرخیدن	ان = پسوند فعال که معنی فاعلی و حالت می‌دهد	ی = پسوند فعال که اسم مصدر مرکب می‌سازد	نیمه انگیزخته

۴-۲- واژه‌های اشتقاقی

واژه	معنی	جزء	جزء	انگیزگی
امشب	همین شب	ام= پیشوند مرده به معنای این	شب	نیمه انگیزخته
همسفر	کسانی که با هم سفر می‌کنند	هم = پیشوند فعال اشتراک	سفر	انگیزخته
خسته	آزرده، فرسوده از انجام کار	خست= ستاک گذشته خستن: آزرده، فرسوده شدن	ه = پسوند فعال که صفت مفعولی می‌سازد	نانگیزخته
تنگه	جایی که تنگ است، شاخه‌ای از دریا که بین دو خشکی است و دو دریا را به هم ارتباط می‌دهد	تنگ	ه = پسوند نیمه فعال اسم مکان	نیمه انگیزخته

رابطه صورت و معنا در انواع مختلف واژه و بررسی احتمال حدس معنای واژگان مرکب و اشتقاقی در فرایند ترجمه ۳۷

#### ۴-۳- بررسی داده‌ها

جمع کل	ناانگیزته	نیمه‌انگیزته	انگیزته	
۹۹	۵	۲۳	۷۱	انگیزته‌های واژه‌های مرکب
۱۱۸	۵	۳۲	۸۱	انگیزته‌های اشتقاقی

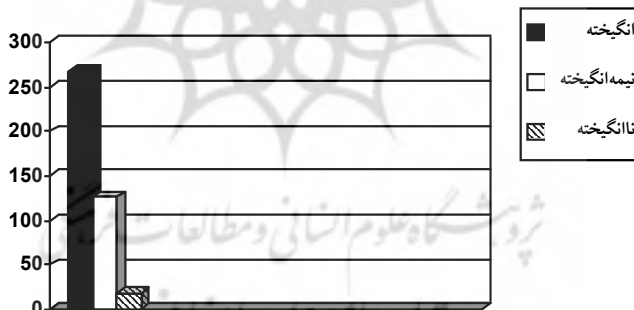
#### بحث و نتیجه

در این فصل، نخست به جمع‌بندی نتایج حاصل از بررسی چهار متن یاد شده می‌پردازیم. نتایجی که از مجموع ۲۸۰۰ واژه به دست آمده است بدین شرح، است:

#### ۱- حاصل جمع انگیزته‌های واژگان مرکب در کل متون (۲ و ۳ و ۴)

جمع کل	ناانگیزته	نیمه‌انگیزته	انگیزته	
۳۸۶	۸	۸۸	۲۹۰	انگیزته‌های واژه‌های مرکب

#### ۱-۱- نمودار مقایسه انگیزته‌های واژه‌های مرکب

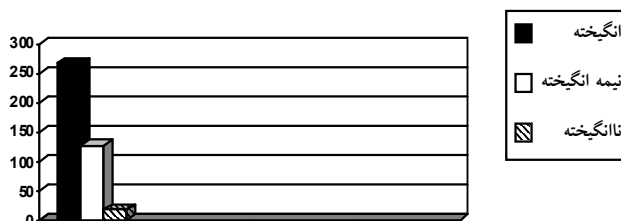


نمودار ۱: مقایسه انگیزته‌های واژه‌های مرکب

#### ۲- حاصل جمع انگیزته‌های واژگان اشتقاقی در کل متون (۱ و ۲ و ۳ و ۴):

جمع کل	ناانگیزته	نیمه‌انگیزته	انگیزته	
۴۱۱	۱۸	۱۲۶	۲۶۷	انگیزته‌های اشتقاقی

## ۲-۱- نمودار مقایسه‌ی انگيختگی واژه‌های اشتقاقی



نمودار ۲: مقایسه‌ی انگيختگی واژه‌های اشتقاقی

## ۳- مقایسه‌ی نتایج

همانطور که مشهود است، از مجموع ۳۸۶ واژه مرکب، تعداد ۲۹۰ واژه مرکب انگيخته وجود دارد که این تعداد به طور ملموسی بیش از تعداد ۸۸ واژه نیمه‌انگيخته و ۸ واژه نانگيخته است. از میان ۴۱۱ واژه اشتقاقی مورد بررسی نیز تعداد ۲۶۷ واژه اشتقاقی انگيخته وجود دارد که این تعداد نیز به طور ملموسی بیش از ۱۲۶ واژه نیمه‌انگيخته و ۱۸ واژه نانگيخته این متون است.

## نتیجه

با مقایسه‌ی جنبه‌های مختلف انگيختگی در ۲۸۰۰ واژه محتوایی، به نتایجی بدین شرح، دست یافتیم:

تعداد واژگانی که از ترکیب معنای اجزای تشکیل‌دهنده‌ی واژه می‌توان به معنای کل واژه دست یافت و به عبارتی انگيخته‌اند، هم در بین واژگان مرکب و هم واژگان اشتقاقی، بیش از واژگان نیمه‌انگيخته و نانگيخته است. بنابراین، اگر در برخی متون که نیازی به ترجمه‌ی صددرد صدق ندارند، تنها برای یافتن معنای واژگان بسیط به فرهنگ لغات مراجعه کنیم و معنای واژگان مرکب و یا اشتقاقی را که با آنها مواجه می‌شویم تا حدود زیادی حدس بزنیم، نیاز به صرف وقت برای یافتن معنای تک‌تک واژه‌ها در فرهنگ لغات نخواهد بود که این کار، ترجمه را تسریع نموده و به فرایند درک و انتقال صحیح‌تر مفاهیم نیز کمک بسیاری می‌کند. بنابراین می‌توان با تأکید بیشتر بر آموزش ساختار واژگان به مترجم، هم سرعت ترجمه را



بالاتر برد و هم به انتقال صحیح مفاهیم، کمک شایانی کرد. از جمله تحقیقاتی که در ادامه و در جهت تکمیل این پژوهش می‌توان انجام داد، بررسی تأثیر این روش در زمینه ترجمه است که با مشاهده نتایج واقعی آن، می‌توان قابلیت این روش را پذیرفته و یا رد کرد.

### Bibliography

- Afrashi, Azita. (2002). "*Negahi be Shafafiat va Tiregie Manayi dar Sathe Vajehaye Morakkab*" ("*A Look at the Semantic Transparency and Obscurity in the Compound Words*"), Azita Afrashi, Thoughts in Semantics (11 articles), Tehran: Farhange Kavosh Publication, pp. 91-104.
- Ale ahmad, Shams. (1990). *Seiro Soluk: Safarnameye Shamse Ale Ahmad be Alman va Espania* (itinerary of Shamse Ale Ahmad to Germany and Spain), Tehran: Barg publication.
- Aronoff, M. - K. Fundeman. (2005). *What Is Morphology?*, Blackwell: oxford.
- Batani, Mohammad Reza. (1988). "Kalamate Tire va Shafaf: Bahsi dar Manishenasi" ("Transparent and Obscure Words: a Discussion in the Semantics"), Mohammad Reza Batani, Darbareye Zaban (About Language), Tehran: *Faruse Iran*, pp. 117-147.
- Carroll, David W. (1999). *Psychology of Language*, Brooks/Cole Publishing Company: Pacific Grove.
- Extiar, Mansur. (1969). *Semantics*, Tehran: Tehran University Publications.
- Farshidvard, Khosro. (2007). *Farhange Pishvand ha va Pasvand haye Zabane Farsi Hamrahe Gofarhavi Darbareye Dasture Zabane Farsi (Persian Prefixes and Suffixes Dictionary with Discussions about Persian Grammar)*, Tehran: Zavvar.
- Ghazve, Alireza. (1996). *Parastu dar Qaf (Swallow in Qaf)*, Tehran: Sure.
- Harris, Roy. (2002). *Zaban, Saussure va Wittgenstein (Language, Saussure and Wittgenstein)*, Translator: Esmail Faghih, Tehran: Markaz Publication.
- Hejazi, Fakhroodin. (1983). *Safarnameye Farang (Farang Itinerary)*, Tehran: Besat.
- Moein, Mohammad. (1961). *Farhange Moein (Moein Dictionary)*, Tehran: Zarrin.
- Nafisi (Nazemol Ateba), Ali Akbar. (1976). *Farhange Nafisi (Nafisi Dictionary)*, Tehran: Marvi.
- Vahidian Kamyar, Taghi. (1996). *Farhange Namavaha dar Zbane Farsi (Persian Onomatopoeia Dictionary)*, Mashahad: Ferdowsi University Publication.
- Yahaghi, Mohammad Jafar. (1984). *Eghlim haye Digar (Other Countries)*, Mashad: Mashad University.
- Yorkey, Richard C., (1970), *Study Skills*, United States :McGraw-Hill Inc.